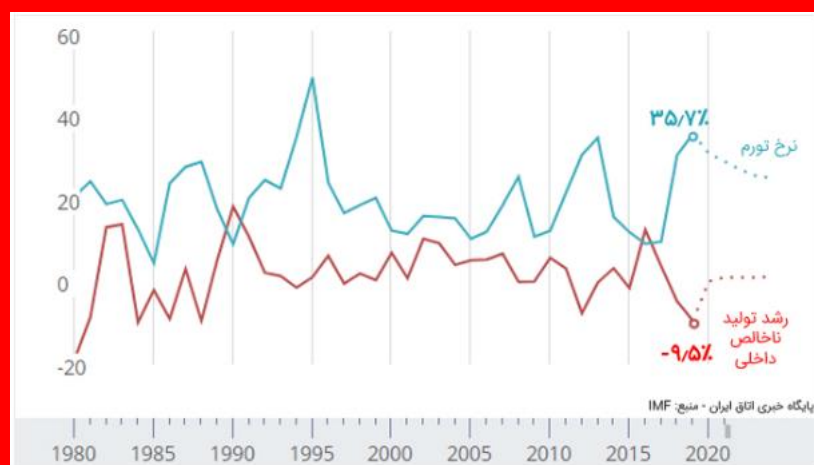


# جهش تولید یا اضمحلال اقتصادی در بربریت سرمایه داری



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [internationalist.voice@gmail.com](mailto:internationalist.voice@gmail.com)

Homepage: [www.internationalist.tk](http://www.internationalist.tk)

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

این یک واقعیت انکار ناپذیر است که بحران سرمایه داری عواقب خود را در سرمایه داری پیرامونی خشن تر و زمخت تر از سرمایه داری متروپل نشان میدهد. سیاست ریاضت اقتصادی، انجماد دستمزدهای واقعی، بیکار سازی های گسترده، قرارداد های موقت، سقوط استانداردهای زندگی و غیره، زندگی جهنمی را برای طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه بوجود آورده است. اقتصاد ایران پس از رشد منفی سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مجدداً از سال ۱۳۹۷ رشد منفی خود را شروع کرد. از سویی سرمایه داری پیرامونی در حال بحران و از سوی دیگر تحریم های کمر شکن از سوی گانگسترهای غربی، اقتصاد ناتوان ایران را بسوی رکود اقتصادی و ورشکستگی صنایع تولیدی سوق داد. در چنین شرایطی بود که بورژوازی اسلامی سال ۱۳۹۸ را سال تحقق اقتصاد مقاومتی اعلام کرد، به عبارت بهتر سال سیاست ریاضت اقتصادی کمر شکن برای طبقه کارگر. رشد اقتصادی ایران در سال ۱۳۹۸ حدود ۸ درصد منفی بود، بورژوازی اسلامی با عوامفریبی و تبلیغات دروغین اعلام کرد میخواهد با پشتکار رکود اقتصادی را به رونق اقتصادی تبدیل کند. در چنین شرایطی بود که برای برون رفت از این رکود اقتصادی یا رشد منفی، رهبر بورژوازی اسلامی اعلام کرد، سال ۱۳۹۹ سال جهش تولید خواهد بود. ولی فقیه بورژوازی اسلامی عوامفریبانه اعلام کرد:

"جوری عمل کنید که با جهش تولید، تغییری محسوس در زندگی مردم به وجود آید." [۱]

نگاهی به تبلیغات و توأم پراکنی های جدید بورژوازی اسلامی، دروغ بودن چنین تبلیغاتی را روشن می سازد. صنایع نفت، پتروشیمی و خودروسازی از صنایع کلیدی ایران هستند و نقش مهمی در اقتصاد ایران ایفا میکنند. پیش از خروج آمریکا از توافق هسته ای، صادرات روزانه ایران به ۲,۵ میلیون بشکه در روز رسیده بود اما الان به ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش پیدا کرده است و به اعتراف مسئولین حکومتی هیچ زمانی صادرات نفت ایران تا این حد دچار مشکل نشده بود. دبیر انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت در رابطه با صادرات نفت و تبعات آن برای بورژوازی اسلامی چنین گفت:

"در ۶۰ سال گذشته هیچ زمانی وضعیت نفتی ایران مانند شرایط کنونی دچار مشکلات نبوده است." [۲]

بورژوازی اسلامی با عوامفریبی اعلام میکند چون درآمد نفتی نداریم، پس باید از طریق دیگر صنایع، جهش اقتصادی کنیم. بورژوازی اسلامی البته اظهار میدارد این کار لازمه آن است که صنایع ایران باید بتوانند با صنایع خارجی رقابت کنند تا بتوان جهشی در تولید ایجاد کرد:

"حالا که درآمد نفتی نداریم باید شروع به افزایش جهش اقتصادی کنیم... جهش تولید باید پرشی باشد به سمت اقتصادی که بتوان با همتان خارجی رقابت کرد." [۳]

همگی این اظهار نظرها دروغی بیش نیستند، هیچگونه پایه مادی ندارند و تنها برای ایجاد توهم در طبقه کارگر و اقشار تحتانی که برای بقای فیزیکی خود تلاش میکنند، مطرح میشود. جهش تولید در درون مناسبات تولیدی سرمایه داری تنها زمانی میتواند با معیارهای بورژوائی پیشرفت

محسوب شود که کالا یا خدمات قابل عرضه در بازار جهانی باشد تا بتواند سودی نصیب بورژوازی کند. در غیر اینصورت حتی تولید انبوه هر کالایی، حتی کالای ضروری، اگر قابل عرضه در بازار جهانی نباشد، هرگز در مفهوم بورژوازی نمیتواند جهش تولید محسوب شود. تحریمهای گسترده، خارج شدن بورژوازی اسلامی از سیستم بانکی، اعتباراتی و بیمه ائی، حتی اگر بر فرض محال کالایی تولید انبوه شود، امکان عرضه آن در بازار جهانی و سپس وارد شدن آن در سیستم بانکی وجود ندارد و تنها تبلیغات برای عوامفریبی مردم است. کدام صنایع در آستانه ورشکستگی ایران قرار است با صنایع خارجی که از بارآوری بالایی برخوردار هستند، رقابت کند؟ صنایع خودرو سازی و صنایع پتروشیمی که از دیگر صنایع کلیدی ایران هستند و زمانی بعد از نفت، از صادرات مهم ایران بودند الان در آستانه ورشکستگی کامل بسر میبرند. در چنین زمینه ائی بود که صندوق بین المللی پول در اواخر سال ۱۳۹۸ رشد اقتصادی ایران را حدود ۹ درصد منفی ارزیابی کرد. تازه همه اینها در شرایطی بود که هنوز پاندمی ویروس کرونا، اقتصاد سرمایه داری پیرامونی ایران را به ورشکستگی کامل نکشاده بود.

ایران در سال ۱۳۹۹ با ۱۲۵ هزار میلیارد تومان کسری بودجه مواجه است، تقریباً یک پنجم بودجه عمومی دولت. برای تامین کسری بودجه، دولت دست به انتشار اوراق قرضه خواهد کرد و بانک مرکزی نیز دست به انتشار اسکناس بدون پشتوانه خواهد زد و نتیجه آن تورم کمر شکن برای طبقه کارگر و اقشار تحتانی خواهد بود، یعنی مرگ تدریجی طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه.

با توجه به اینکه خط فقر را برای سال ۱۳۹۹ حدود ۷ میلیون تعریف کرده اند و حداقل دستمزد نیز در سال ۱۳۹۹ یک میلیون هشتصد هزار تومان اعلام شده، لذا بیش از نصف جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می کنند. تازه این شرایط برای دوران قبل از پاندمی ویروس کرونا بود. الان با پاندمی ویروس کرونا و تبعات ناشی از آن مواجه هستیم، یعنی با ورشکستگی صنایع تولیدی و بیکاریهای گسترده. بیکاری میلیونی، خانه خرابی میلیونی خانواده های کارگری را بدنبال خواهد داشت. معاون شهرداری تهران در این زمینه اظهار داشت:

"با نیمه تعطیل شدن شهر یک سوم مردم تهران گرفتار معاش روزانه اند و یک سوم هم نهایتاً تا یکی دو ماه دیگر دوام می آورند. اگر انتظار داریم مردم در خانه بمانند برای معیشت این جمعیت باید چاره اندیشی فوری شود. بر اساس نظرسنجی اخیر، غیر حقوق بگیران آسیب دیده ترین گروه معیشتی هستند." [۴]

عملکرد بورژوازی اسلامی در مواجهه با پاندمی ویروس کرونا واقعا مفتضحانه و جنایتکارانه بوده است. در تورم لجام گسیخته، تنها یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بسته معیشتی کرونا بین ۲۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان دریافت کرده اند. اخیراً نیز پرداخت وام یک میلیون تومانی با بهره ۱۲ درصد بخاطر پاندمی ویروس کرونا در نظر گرفته شده است. این بدان معنی است که اگر کسانی از طریق ویروس کرونا دچار مرگ نشدند، از طریق گرسنگی، کمبود امکانات و دیگر معضلات ناشی از بربریت سرمایه داری دچار مرگ تدریجی خواهند شد.

بالاترین نهاد سرمایه، صندوق بین المللی پول اظهار داشته است که بحران کنونی بدترین وضعیت از زمان بحران «رکود بزرگ» در دهه ۱۹۳۰ میلادی است که طی آن اقتصاد جهانی یک چهارم کوچکتر شد و نرخ بیکاری تا ۲۵ درصد اوج گرفت. بورژوازی اسلامی گرفتن وام از صندوق بین المللی پول را راه گشائی موقتی برای بحران خود دانسته است و تقاضای وام ۵ میلیارد دلاری از صندوق بین المللی پول کرده است، اما از آنجا که آمریکا مخالف دادن چنین وامی به ایران است، امکان اعطای چنین وامی بسیار ناچیز است. لذا اضمحلال اقتصادی بیش از پیش بورژوازی اسلامی را تهدید میکند.

سرمایه داری پیرامونی در حال بحران، ورشکستگی، اعمال فشار حداکثری از سوی گانگسترهای غربی (تحریمها)، کسری بودجه میلیاردی دولت، کاهش شدید درآمدهای دولت، انجماد ذخایر ارزی، فسادهای گسترده و... نه جهش تولید بلکه اضمحلال اقتصادی را برای جامعه ایران به ارمغان خواهد آورد. طبقه کارگر و اقشار تحتانی جامعه قربانیان این توحش و بربریت سرمایه داری خواهند بود و بهای آنرا پرداخت خواهند کرد.

علیرغم شرایط بوجود آمده بدنبال پاندمی ویروس کرونا ما شاهد اعتراضات کارگری جسته و گریخته نه تنها در ایران بلکه در دیگر کشورها نیز بودیم. طبقه کارگر ایران بعنوان گردانی از طبقه کارگر جهانی، متمرکزترین و با تجربه ترین طبقه کارگر خاورمیانه را دارد که در حافظه تاریخی خود نبردهای درخشانی را به ثبت رسانده است. آخرین نمونه آن اعتراضات کارگری پائیز ۱۳۹۷ بود.

سرمایه داری یعنی بردگی مزدی، بیکاری لجام گسیخته، کابوس جنگ، پاندمی ویروس و دهها معضل اجتماعی دیگر. نه جهش تولیدی، نه رونق اقتصادی بلکه اضمحلال اقتصادی پیش روی سرمایه داری ایران قرار دارد و طبقه ما بهای آنرا پرداخت خواهد کرد. همانطوری که همزنجیران ما در اعتراضات اخیر در ایتالیا اظهار داشتند، "ما بره برای کشتارگاه نیستیم!"، ما میتوانیم در سرنوشت مان تغییری بوجود بیاوریم. آینده زندگی ما به مبارزه ما بستگی دارد، ما با مبارزه مان میتوانیم روند سرنوشت مان را تغییر دهیم. تنها با مبارزه طبقاتی است که نه تنها میتوانیم از سطح معیشت خود دفاع کنیم بلکه دولت سرمایه را به چالش بکشیم. تنها طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی است که میتواند از طریق انقلاب کمونیستی به نکت جهان سرمایه داری پایان دهد.

فیروز اکبری

۲۵ فروردین ۱۳۹۹

یادداشتها:

[۱] [سال ۱۳۹۹ سال جهش تولید نامگذاری شد](#)

[۲] [جهش تولید پرشی بزرگ به سمت تولید](#)

[۳] منبع بالا

[۴] [عصر ایران](#)